Investigating the Status of Legal Literacy of Teachers in District 2 of Zanjan

Kimia Panahi

English Language Teaching Student, English Language Teaching Department, Farhangian University, Zanjan, Iran.(Corresponding author) kimiyapanahi@cfu.ac.ir

Abbas Ramezani

Assistant Professor, Department of Educational Management, Farhangian University, Tehran, Iran. a.ramezani@cfu.ac.ir

Date Received2024/7/7

Date of Release2024/9/18

Abstract

The purpose of this study was to investigate the status of legal literacy of teachers in district 2 of Zanjan city. For this purpose, a questionnaire was prepared based on three areas of Civil Service Management law, Administrative Violations law and Teacher Ranking System law. Employing a stratified random sampling method, a sample of 320 people (male and female) was selected from the teachers in district 2 of Zanjan city and the questionnaire was distributed among them. The research instrument is the research made legal literacy questionnaire with 30 items, which is used to ascertain the construct validity through confirmatory factor analysis and validation (calculation of Cronbach's alpha) and to analyze the data using independent one sample t test, independent two-samples t test and one way Anova. The findings of the research confirms that the level of legal literacy of teachers is lower than average. Furthermore, there is no significant difference between the level of legal literacy with gender and level of education but there is significant difference between the level of legal literacy concerning teaching experience.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-06-10]

[DOI: 10.66224/qjal.11.39.107]

Keywords: legal literacy, teachers, Civil Service Management law, Administrative Violations law, Teacher Ranking System law

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-06-10]

[DOI: 10.66224/qjal.11.39.107]

Copyright© 2021, the Authors This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the AttributionNonCommercial terms.

فصلنامه حقوق اداری
سال یازدهم، تابستان ۱۴۰۳ ، شماره ۳۹
مقاله علمی پژوهشی

بررسی وضعیت سواد حقوقی معلمان ناحیه ۲ زنجان

کیمیا پناهی[۱]، عباس رمضانی[۲]

تاریخ دریافت : ۱۴۰۳/۴/۱۷
تاریخ پذیرش : ۱۴۰۳/۶/۲۸

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت سواد حقوقی معلمان ناحیه ۲ شهر زنجان انجام شده است. از نظر هدف، پژوهش حاضر کاربردی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات از نوع توصیفی-پیمایشی است. بدین‌منظور، پرسشنامه‌ای براساس سه حوزه قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون رسیدگی به تخلفات اداری و قانون نظام رتبه‌بندی تهیه شد. با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، نمونه‌ای مشتمل بر ۳۲۰ نفر (زن و مرد) از معلمان ناحیه ۲ زنجان انتخاب و پرسشنامه میان آن‌ها توزیع شد. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق‌ساخته سواد حقوقی با ۳۰ گویه است که برای تعیین روایی سازه از آزمون تحلیل عاملی تاییدی، و اعتبار (محاسبه آلفای کرونباخ) و جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تی یک نمونه مستقل، تی دو نمونه مستقل و تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد. نتایج پژوهش مؤید آن است که میزان سواد حقوقی معلمان در حد پایین‌تر از حد متوسط است و در ارتباط بین میزان سواد حقوقی با جنسیت و میزان تحصیلات معلمان، تفاوت معناداری وجود ندارد؛ اما بین میزان سواد حقوقی و سابقه تدریس معلمان، تفاوت معنادار وجود دارد. درنهایت، برای افزایش سطح سواد حقوقی معلمان، تدابیری پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: سواد حقوقی، قانون رسیدگی به تخلفات اداری، قانون نظام رتبه‌بندی معلمان، قانون مدیریت خدمات کشوری، معلمان.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی آموزش زبان انگلیسی، گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان، زنجان، ایران. kimiyapanahi@cfu.ac.ir
۲. استادیار گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. a.ramezani@cfu.ac.ir

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-06-10]

[DOI: 10.66224/qjal.11.39.107]

۱. مقدمه

کیفیت آموزش همواره از دغدغه‌های اصلی ارکان گوناگون جامعه ازجمله دولت، والدین و دانش‌آموزان بوده است. معلم و مدیر آموزشی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های موثر بر کیفیت آموزش به‌شمار می‌آیند که نقش قابل‌توجهی در تعیین استانداردهای آموزشی یک سازمان آموزشی دارند. معلم به فردی اطلاق می‌شود که رسالت خطیر صرفاً تربیت دانش‌آموزان را در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی برعهده دارد؛ مانند آموزگار، دبیر، هنرآموز، مربی امور تربیتی، مشاور واحد آموزشی، مراقب سلامت، نیروهای توانبخشی مدارس استثنایی، مدیر و معاون در واحدهای آموزشی و تربیتی (قانون رتبه‌بندی معلمان، ۱۴۰۰). به‌طورکلی، معلمان؛ تابع قوانین سازمانی آموزش و پرورش کشور هستند و رفتار حرفه‌ای‌شان توسط مقامات آموزشی، دولت و مردم تحت نظارت است. از آن‌جایی که یکی از شاخص‌های رفتار حرفه‌ای معلمان طبق مدل استانداردهای حرفه‌ای معلمان،)، مسئولیت‌پذیری قانونی، آگاهی از قوانین و توجه به حقوق معلم، اولیا و دانش‌آموزان است (قهرمانی‌فرد و سیدعباس‌زاده،۱۳۹۷: ۴۷). یکی از عوامل ارتکاب رفتار غیرحرفه‌ای، عدم آگاهی معلمان به حقوق و تکالیف قانونی‌شان است و این عدم آگاهی از قوانین و حقوق و وظایف شغلی‌شان می‌تواند پیامدهای ناهنجاری به‌دنبال داشته است

(Hamid & Mohammad, ۲۰۱۸:۱۸۷) و منجر به وقوع فرآیندهای پرهزینه، زمان‌بر و تصمیم‌گیری‌های ناآگاهانه در محیط آموزشی شود keel,۱۹۹۸)؛(Findlay, ۲۰۰۷. همچنین دعاوی حقوقی و کیفری که ممکن است به‌علت عدم آگاهی از قانون شامل حال معلمان شود، از نظر حرفه‌ای و شخصی تلفاتی را برای آن‌ها به‌بار می‌آورد؛ چراکه به استناد ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی، «جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست».بنابراین، عدم آگاهی یا بی‌توجهی به قوانین آموزشی توجیهی برای رفتار غیرحرفه‌ای معلمان نیست (Delaney, ۲۰۰۸: ۲). همان‌طور که رانندگان نمی‌توانند با ادعای بی‌اطلاعی از سرعت مجاز، از صدور جریمه جلوگیری کنند، ناآگاهی معلمان از قانون نیز موجب توجیه تخلف آن‌ها نمی‌شود(Decker, ۲۰۱۴: ۳).از طرفی، بسیاری از معلمان نگاهی حاکی از ترس و نگرانی نسبت به قوانین دارند و از قرار گرفتن در مقام مشتکی‌عنه می‌هراسند؛ چراکه در مورد قوانین موثر بر عملکرد حرفه‌ای‌شان اطلاعی ندارند یا اطلاعات ناقصی دارند.ترس شدید از طرح دعوی قضایی که در حرفه معلمی رخنه کرده است، تا حدودی سبب نارسایی در درک فراگیر و درنتیجه، عدم اعتماد به‌نفس معلمان در برابر موضوعات و مسائل قانونی شده است (Zirkel, ۲۰۰۶؛ Findlay, ۲۰۰۷).

ب‌نابراین، بهترین تدبیر در برابر پیشگیری از طرح دعاوی قضایی احتمالی، دانستن و درک حقوق و مسئولیت‌های قانونی حوزه آموزش است (Young,.et al, ۲۰۱۴: ۷) . آگاهی معلمان و مدیران از قوانین و مقررات آموزشی سازمان‌های مختلف آموزش و پرورش موجب می‌شود نسبت به حقوق و مزایای مادی و

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-06-10]

[DOI: 10.66224/qjal.11.39.107]

معنوی خود و دیگران در عرصهٔ تعلیم و تربیت، وقوف بیشتری داشته و در انجام وظیفه آموزشی و اداری موفق‌تر عمل کنند (صافی، ۱۴۰۱: ۱۶). معلمانی که آگاهی کافی از قانون دارند، نه‌تنها در اجتناب از دعاوی احتمالی موثر عمل می‌کنند، بلکه رهبران کارآمدتر و مسئولیت‌پذیرتری نیز هستند و این امر در همه سطوح صدق می‌کند) (Findlay, ۲۰۰۷.

سواد حقوقی، میزان اشراف افراد به ماهیت قانون، رویه‌ها و منابع قانونی موجود و مهارت به‌کارگیری موثر این دانش به‌منظور تشخیص تعارضات حقوقی، یافتن راه‌حل‌های مطلوب در برابر طرح دعاوی قضایی، درک انتقادی از قوانین، کنشگری فعالانه و مطالبهٔ عدالت است (انجمن وکلای آمریکا[۱]، ۲۰۱۷ ؛ انجمن اقدام‌پژوهی همگانی[۲]، ۲۰۲۰). سواد حقوقی، مهارتی اجتماعی است که می‌تواند در آگاهی‌بخشی و ارتقاء سطح اجتماعی و توانمندسازی افراد جامعه ازجمله معلمان، نقش‌تعیین‌کننده ایفا کند (مرزوقی و محمدزاده، ۱۳۹۹:۱۱۲). درواقع، سواد حقوقی برای معلمان؛ آگاهی از مسائل حقوقی است که معلمان را قادر می‌سازد قواعد حقوقی مرتبط با عملکرد حرفه‌ای روزمرهٔ خود در محیط های آموزشی را به‌کاربندند (Decker & Brady, ۲۰۱۶: ۲۴۹).

سواد حقوقی برای معلمان در زمینهٔ آموزش، عنصر اصلی تصمیم‌گیری آگاهانه و رفتار معقول در دو جنبه قانونی و آموزشی فعالیت روزمرهٔ آن‌ها به‌حساب می‌آید که نمایانگر رفتار حرفه‌ای آن‌هاست. (Schimmel & Militello, ۲۰۰۸:۲۵۹)

معلمان‌با سواد حقوقی بیشتر،آگاه به پیامدهای بالقوهٔ اعمال خود هستند و به احتمال بیشتری، تصمیمات محتاطانه و آگاهانه در مورد نحوهٔ واکنش بایسته به مسائل مدرسه به‌منظور حفظ نظم و اجتناب از دعاوی حقوقی اتخاذ می‌کنند (Posocco, ۲۰۱۶: ۲۸). لذا کسب و ارتقای سطح‌سواد حقوقی برای معلمان،سبب حفظ اقتدارشان به‌عنوان کارگزاران دولت خواهد شد. همچنین شیمل و میلیتلو[۳] (۲۰۰۷) اظهار می‌دارند که اشراف بر قوانین بر تعاملات، روابط و تصمیمات مدیران و معلمان، اثرگذار است و این تاثیرگذاری نهایتا شامل یادگیری دانش‌آموزان هم می‌شود.

طبق تحقیقات صورت‌گرفته، قوانین آموزشی و اداری موثر بر عملکرد حرفه‌ای و مرتبط با حوزه کاری معلمان در کشور ایران در یک سند واحد یافت نمی‌شود؛ لذا بهره‌مندی معلمان از سواد حقوقی در ایران به معنای آگاهی از منابع مختلف قوانین موثر بر عملکرد حرفه‌ای‌شان است که در این پژوهش، سه حوزهٔ آگاهی از قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون رسیدگی به تخلفات اداری و قانون نظام رتبه‌بندی معلمان بررسی می‌شود.

---

۱. American Bar Assosiation
۲. Multiple Action Research Group (MARG)
۳. Schimmel & Millitelo

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-06-10]
[DOI: 10.66224/qjal.11.39.107]

با توجه به اهمیت برخورداری از سواد حقوقی برای معلمان و محدودیت وجود پژوهش در این حوزه به‌خصوص در ایران، به‌نظر می‌رسد انجام مطالعات جامع در این حوزه مسلم باشد. از این‌رو، هدف کلی نوشتار حاضر، بررسی وضعیت سواد حقوقی معلمان ناحیه ۲ زنجان است. همچنین، فرضیه‌های پژوهش براساس بررسی صورت‌گرفته در ادبیات پژوهش به شرح زیر صورت‌بندی می‌شوند: ۱) وضعیت سواد حقوقی معلمان ناحیه ۲ زنجان در حد ضعیف است. ۲) بین میزان سواد حقوقی معلمان برحسب جنسیت، تفاوت معنادار وجود دارد. ۳) بین میزان سواد حقوقی معلمان برحسب مدرک تحصیلی، تفاوت معنادار وجود دارد. ۴) بین میزان سواد حقوقی معلمان برحسب سابقه تدریس، تفاوت معنادار وجود دارد.

بر مبنای توضیحات پیش‌گفته، سوالات پژوهشی ذیل مطرح می‌شوند: ۱) وضعیت سواد حقوقی معلمان ناحیه ۲ زنجان (آگاهی از قوانین مربوط به فرآیند جذب کارکنان آموزش و پرورش، ارتقای شغلی، تخلفات آموزشی، پیامدهای قانونی تخلفات آموزشی و حقوق و مزایای کارکنان آموزش و پرورش) چگونه است؟ ۲) آیا بین میزان سواد حقوقی معلمان برحسب **جنسیت، میزان تحصیلات و سابقه تدریس** آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد؟

۱-۱.مفهوم قانون

یکی از عوامل موثر و مشترک در مدیریت انواع سازمان‌ها و مؤسسات، به‌ویژه سازمان‌های آموزشی؛ تدوین قوانین و مقررات مناسب و رعایت آن‌هاست (صافی، ۱۴۰۱: همان). قانون از واژه یونانی کانون به معنی قاعده و ترتیب اتخاذ شده و رابطه ثابتی است که میان اشیا وجود دارد. در علم حقوق، قانون در دو صورت عام و خاص تعبیر می‌شود که قانون در معنای عام، هر قاعده یا دستور کلیست که از طرف قدرت حاکمه کشور، وضع و اطاعت از آن اجباری گردد (مدنی، ۱۳۷۶). قانون در کتاب سازمان و قوانین آموزش و پرورش به دو نوع قانون اساسی و قانون عادی تقسیم می‌شود که قوانین آموزش و پرورش جزو قوانین عادی به‌حساب می‌آید (صافی، ۱۴۰۱: ۱۸). مطالعه قوانین آموزش و پرورش از سال ۱۲۹۰ تا ۱۴۰۰ مصوب مجلس شورای ملی و مجلس شورای اسلامی، مبین آن است که بخشی از این قوانین، مربوط به امور اداری، استخدامی و رفاهی کارکنان آموزش و پرورش است (صافی، ۱۴۰۱: ۱۷۹) که در ادامه به شرح ویژگی‌های این قوانین پرداخته می‌شود.

۱-۲. قانون مدیریت خدمات کشوری

قانون مدیریت خدمات کشوری، یکی از قوانین مهمی است که ناظر امور اداری و استخدام کارکنان دولت ازجمله وزارت آموزش و پرورش است.این قانون پس از بررسی‌های متعدد و شش سال مطالعه توسط دولت، در پایان برنامه سوم توسعه به مجلس شورای اسلامی ارائه شد و در سال ۱۳۸۶ تصویب گردیده

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-06-10]

[DOI: 10.66224/qjal.11.39.107]

است. در این قانون، هدف اصلی از تدوین آن، برقراری عدالت در پرداخت‌ها و جلوگیری از ناهماهنگی‌ها ذکر شده است (صافی، ۱۴۰۱: ۱۸۰). این قانون در ۱۵ فصل به شرح زیر تنظیم و تصویب شده است: «۱) تعاریف، ۲) راهبردها و فناوری انجام وظایف، ۳) حقوق مردم، ۴) ساختار سازمانی، ۵) فناوری اطلاعات و خدمات اداری، ۶) ورود به خدمت، ۷) استخدام، انتصاب و ارتقای شغلی، ۹) توانمندسازی کارمندان، ۱۰) حقوق و مزایا، ۱۱) ارزیابی عملکرد، ۱۲) حقوق و تکالیف کارمندان، ۱۳) تامین اجتماعی، ۱۴) شورای عالی اداری و شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی، ۱۵) مقررات مختلف.»

۱-۳.قانون رسیدگی به تخلفات اداری

قانون رسیدگی به تخلفات اداری در هفتم آذر ماه ۱۳۷۲ در ۲۷ ماده و ۲۹ تبصره به تصویب رسیده است. فصل اول این قانون در مورد تشکیلات، حدود و وظایف، فصل دوم در مورد تخلفات اداری و فصل سوم در زمینه مجازات‌ها بحث کرده است. در ماده ۸ تا ۳۸ این قانون موارد تخلفات اداری مطرح شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۷۱).

۱-۴. قانون رتبه‌بندی معلمان

مطابق ماده ۱ قانون نظام رتبه‌بندی معلمان (۱۴۰۰)، به‌منظور افزایش کیفی فرآیند تعلیم و تربیت، عملکرد رقابتی معلمان، استقرار نظام پرداخت‌ها براساس تخصص و شایستگی‌ها، اعتلای کرامت و منزلت اجتماعی معلمان، مهندسی نیروی انسانی، توسعه مستمر و نظام‌مند شایستگی‌های عمومی، تخصصی، حرفه‌ای و تربیتی و کیفیت عملکرد معلمان، تقویت انگیزه و رضایت‌مندی شغلی و ارتقای تعهد و تقویت هویت حرفه‌ای معلمان براساس نقشه جامع علمی کشور و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نظام رتبه‌بندی معلمان تعیین و اجرا می‌شود. این قانون مشتمل بر ۹ ماده و ۸ تبصره در پانزدهم اسفند ماه۱۴۰۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

۱-۵. سواد حقوقی

در گذشته، اصطلاح سواد حقوقی برای اشاره به جنبه‌ای از آموزش حقوق حرفه‌ای استفاده می‌شد که به معنی تبحر در خواندن و نوشتن استدلال‌های حقوقی، دادخواست‌های تقدیمی، آراء دادگاه و دادخواهی بود که منجر به تقنین مجموعه قوانین می‌شد. فراگیری سواد حقوقی، یکی از اهداف دوره‌های آموزشی نگارش متون حقوقی در دانشکده‌های حقوق بود که به دانشجویان تعلیم داده می‌شد به مثابهٔ یک وکیل اندیشیده و مکاتبه کنند(Zariski, ۲۰۱۴). بعدها، درنتیجه افزوده شدن دو رویکرد متفاوت به این مفهوم، معنای مبسوط‌تری از سواد حقوقی مصطلح شد. رویکرد اول، سواد حقوقی را ظرفیتی می‌داند که در امتداد یک زنجیره گسترده است که وکلا و قضات در یک سو و غیر وکلا (افراد عادی) در سوی دیگر آن قرار دارند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-06-10]

[DOI: 10.66224/qjal.11.39.107]

ایـن رویکـرد توسـط محققی به‌نـام جیمز بوید وایت اتخاذ شـد که سـواد حقوقی را «درجه‌ای از شایسـتگی در گفتمـان حقوقی مسـتلزم زیسـت معنادار و فعـال در فرهنگ روزافزون حقوقی و دادخواهی» می‌دانسـت (White, ۱۹۸۳:۱۴۴). براساس رویکرد زنجیره‌ای، برخورداری از سطح معینی از سواد حقوقی برای مشارکت مؤثر فرد در جامعه امروزی مورد نیاز اسـت، اما لزومی ندارد یک شـهروند عادی به سـطح سـواد اسـتاندارد حرفه‌ای دانشکده‌های حقوق برسد. دومین رویکرد سواد حقوقی، تلقی این مفهوم به عنوان استعاره است کـه فراگیـری سـواد حقوقی، به یادگیری یک زبان خارجی تشـبیه می‌شـود (Zariski, ۲۰۱۴: ۲۱). کسـانی که سررشـته‌ای از سـواد حقوقی ندارند، درک دنیای حقوقی برایشـان مانند زندگی در یک کشـور اجنبی با زبان بیگانه نامأنوس است (Casimir,.et al, ۱۹۸۶).

انجمـن وکلای کانـادا (۱۹۹۲)، سـواد حقوقـی را این‌گونـه تعریـف می‌کنـد: «توانایـی درک کلمـات و اصطلاحـات تخصصـی حـوزه حقوقی، سـپس اسـتنتاج و به‌کارگیری آن‌ها بـرای اقدام حقوقـی لازم». طبق تعاریـف پیش‌گفتـه، افـراد به مثابـهٔ عناصر فعال، توانایی درک و اسـتنتاج قوانین را دارند تـا با بهره‌گیری از اختیار خود، برای به‌چالش کشـیدن شـرایط فعلی و تغییر آن اقدام کنند. لذا سـواد حقوقی، فراتر از کسـب اطلاعات قانونی، توسعه صلاحیت حقوقی بنیادین و کسب دانش و درک انتقادی در مورد ماهیت قانون، روند قانونی‌شـدن و منابع قانونی اسـت که اسـتفاده از ظرفیت‌ها در عمل را نیز تاکید می‌کند (Casimir,.et al, ۱۹۸۶).

لِرد هانتر[۱] (انجمن وکلای کانادا، ۱۹۹۲) [۲]معتقد است که افراد با سواد حقوقی قادرند:

- حقوق و مسئولیت‌های قانونی خود را به‌رسمیت بشناسند و از آن‌ها استفاده کنند.
- تعارضات قانونی را درک و راه‌حل‌های قانونی موجود رابررسی کنند.
- از دعاوی حقوقی پیشگیری کرده، درصورت وقوع، چگونگی توسل به حامی موثق را بدانند.
- چگونه و کجا برای دریافت اطلاعات حقوقی جستجو کنند.

کسـب و ارتقـای سـواد حقوقی، نوعی فرآیند توانمندسـازی اسـت کـه متضمن منفعت افراد اسـت؛ چرا کـه توانایـی درک و تأمـل انتقادی در مورد موقعیت‌ها و سـاختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسـی محیط اطراف، منجر به ایفای نقش فعال در روند تغییرات سـازمانی و اجتماعی محیط اطراف خواهد شـد(Peña Carranco, ۲۰۱۶: ۴).

۱-۶. اهداف سطوح مختلف دوره‌های فراگیری سواد حقوقی

اهـداف دوره‌هـای فراگیـری سـواد حقوقی را به نقـل از حبیب‌نژاد و همـکاران (۱۳۹۹) می‌توان در سـه بعد آموزشـی، صلاحیتی و انتقادی دسـته‌بندی کرد. هدف آموزشـی فراگیری سواد حقوقی در مقایسه با اهداف

۱. Lord Hunter
۲. Canadian Bar Assosition

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-06-10]
[DOI: 10.66224/qjal.11.39.107]

دیگر برجسته‌تر است و اولویت بیشتری دارد. آموزش حقوقی عمومی (PLE)[۱]، مجموعه‌ای از فعالیت‌های آموزشی در حوزهٔ فراگیری حقوق و مسئولیت‌های قانونی به‌منظورگسترش عمومی سواد حقوقی در سطح بین‌المللی و تقویت سواد پایه و توانمندسازی شرکت‌کنندگان است. این فرآیند، جزو خدمات عمومی رایگان و عام‌المنفعه است که شامل: برگزاری جلسات یا کارگاه‌های آموزشی در مکان‌هایی مانند مدارس، گروه‌های جوانان و زندان‌ها برای ارائه اطلاعات یا منابع در مورد مسائل حقوقی، کمپین‌های افزایش آگاهی، تمرینات نقش‌آفرینی و فعالیت در رویدادهای اجتماعی است. برای مثال، یکی از حوزه‌های فعالیت سازمان بین‌المللی و غیردولتی«ابتکار حقوق بشر مشترک‌المنافع» (CHRI[۲])، آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی عموم در زمینه مسائل حقوقی است که این فعالیت‌های آموزشی، به توانمندسازی حقوقی و افزایش سواد حقوقی مردم در اقصی نقاط جهان منجر می‌شود. بااین‌حال، طبق توضیحات پیش‌گفته، صرفا آموزش و انتقال اطلاعات در مورد حقوق و مسئولیت‌های قانونی، متضمن برخورداری از سواد حقوقی نیست. لذا به نقل از حبیب‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹) در دوره‌های فراگیری سواد حقوقی، هدف؛ سطح صلاحیتی تقویت توانمندی مردم در به‌کارگیری قانون برای دفاع از حقوق خود است. درنهایت، درسطح انتقادی فراگیری سواد حقوقی، انتظار می‌رود افراد علاوه بر استفاده از قانون برای دفاع از حقوق خود، به پیکربندی مجدد و تدوین چارچوب قانونی و مستحکم بپردازند تا پاسخگوی نیاز افراد بیشتری باشد. دستیابی به این سطح، مستلزم توانایی نقد و ارزیابی نقاط ضعف و قوت ساختارها، فرآیندها و رویه‌های قضایی فعلی حاکم است(حبیب‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۴)

رمضان مقدم واجاری و جانی‌پور (۱۳۹۵) با هدف بررسی‌رابطه عوامل اجتماعی و سواد حقوقی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی، پژوهشی را انجام دادند. سواد حقوقی در زمینه میزان آگاهی از اصل سی‌ام قانون اساسی (اصل آموزش و پرورش)، اصل چهل و سوم قانون اساسی، قوانین مؤجر و مستأجر، حقوق خانواده، قانون کار، قوانین بیمه، قوانین چك و سفته، بررسی شد و نتایج یافته‌های توصیفی پژوهش بیان داشت اکثریت شرکت‌کنندگان از سطح سواد حقوقی متوسط برخوردار بودند. همچنین بین سواد حقوقی و آگاهی شهروندی، رابطهٔ مستقیم معناداری وجود داشت؛ بدین‌صورت که با افزایش میزان سواد حقوقی، میزان آگاهی از حقوق شهروندی افراد نیز افزایش یافت. پژوهش شکاری و حاجی رشیدی (۱۳۸۸)، آموزش حقوق بشر در دوره متوسطه و میزان توجه به آموزش حقوق بشر و خلأ موجود در برنامه درسی دوره متوسطه ایران را بر اساس دیدگاه معلمان و متخصصان دوره متوسطه شهر کاشان و کارشناسان برنامه درسی شهر تهران مورد بررسی و انتقاد قرار داده است. سه حیطه اساسی دانش، مهارت و نگرش در

۱. Puplic Legal Education
۲. Commonwealth Human Rights Initiative

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-06-10]
[DOI: 10.66224/qjal.11.39.107]

آموزش حقوق بشر و میزان توجه به آن‌ها در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه درسی آموزش متوسطه ایران در این پژوهش بررسی شد که نتایج نظرسنجی تحقیق نشان داد اولا معلمان، مدیران و برنامه‌ریزان برنامهٔ درسی با آموزش مفاهیم حقوق بشر در سه حوزه دانشی، مهارتی و نگرشی موافق بوده و ثانیا برنامه‌ریزان برنامهٔ درسی، میزان توجه به مولفه‌های آموزش حقوق بشر را غیرقابل قبول توصیف کردند. محمدزاده و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه موردی به طراحی برنامهٔ درسی سواد حقوقی، مطابق با مضامین استخراج شده از مصاحبه با متخصصین رشته حقوق و برنامه درسی، وکلا و قضات در چارچوب عناصر نه‌گانه برنامه درسی شامل: اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی-یادگیری، مواد و منابع آموزشی، فعالیت‌های یادگیری فراگیر، زمان آموزش، فضای آموزشی، گروه‌بندی فراگیران و ارزشیابی پرداختند. همچنین مرزوقی و محمدزاده (۱۳۹۹) در پژوهشی مشابه درخصوص آموزش سواد حقوقی دورهٔ متوسطه به طراحی چارچوب برنامه درسی آموزش سواد حقوقی دورهٔ متوسطه پرداختند و به‌منظور اعتباریابی چارچوب طراحی شده تناسب، تجانس و توازن قابل قبول آن را اثبات کردند. حبیب‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹) درخصوص تعهدات دولت در گسترش سواد حقوقی به بررسی رویکردها، اهداف و چشم‌اندازها، موانع دستیابی به سواد حقوقی و نقش دولت‌ها در تحقق سواد حقوقی و سیاست‌های تقنینی، اجرایی و قضایی سواد حقوقی در نظام حقوقی ایران پرداختند. در این پژوهش، مفهوم سواد حقوقی معادل توانمندی حقوقی در نظر گرفته شد و مدل توانمندی حقوقی ارائه شد. پائول[1] (۲۰۰۱) به منظور بررسی تأثیر تجربهٔ کاری معلمان بر دانش آن‌ها از مفاهیم حقوقی، پژوهشی را انجام داد. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که بین دانش معلمان از مفاهیم حقوقی آموزش و پرورش و سابقهٔ معلم، رابطهٔ مثبت وجود داشته و کسانی که حداقل ۲۱ تا ۳۰ سال سابقه تدریس داشتند از سطح دانش بالاتری برخوردار بودند. از طرفی، معلمان با سابقه کاری بیش از سی سال یا سابقه کاری سه سال و کمتر، دانش کمتری در این حوزه داشتند. شیمل و میلیتلو[2] (۲۰۰۷)، سواد حقوقی و آموزش حقوقی معلمان را براساس نظرسنجی از بیش از ۱۳۰۰ نفر معلم بررسی کردند که دریافتند بیشتر معلمان نسبت به حقوق دانش‌آموز و معلم ناآگاه هستند یا آگاهی کافی ندارند؛ چراکه هیچ دوره‌ای درخصوص آموزش حقوق و قوانین مدرسه برای آن‌ها برگزار نشده بود و به همین دلیل، بسیاری از اطلاعات در مورد قوانین مدرسه را از معلمان دیگر دریافت می‌کردند. در پژوهش دیگری توسط وایت[3] (۱۹۸۳)، درک و دانش معلمان از حقوق دانش‌آموزان و اظهارات آن‌ها در مورد اقدامات مرتبط با مسائل قانونی در قالب مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با معلمان بررسی شد. طی این مصاحبه‌ها، اگرچه معلمان با سوالات حقوقی متداولی مواجه شدند، اما بیشتر آن‌ها اطلاعات اندکی داشتند و از جستجو و کسب اطلاعات بیشتر

۱. Paul
۲. Schimmel & Militellielo
۳. White

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-06-10]
[DOI: 10.66224/qjal.11.39.107]

در ایـن زمینـه خـودداری کردند و خـود را فاقد ظرفیت لازم بـرای انجام این کار می‌دانسـتند. علاوه بر این، معلمـان به‌دلیـل وجـود برخـی قوانین نانوشـته‌ای که تحدیدکننـدهٔ استقلالشـان بود، احسـاس درماندگی کـرده و اذعـان داشـتند که فکر می‌کردند قوانینـی را نقض می‌کنند که در واقع وجود نـدارد. واگنر[۱](۲۰۰۹) به بررسـی سـطح آگاهی معلمان از قوانین آموزشی پرداخت که شـرکت‌کنندگان پژوهش۱۸۶ معلم، ۷۰ مدیر و ۲۰ استاد دانشگاه بودند. نتایج تحقیقات، تفاوت قابل‌توجهی میان سطح سواد حقوقی معلمان و استادان دانشگاه را نشان داد و از آن‌جایی‌که سواد حقوقی معلمان به ۳۰ سال قبل باز می‌گشت، ضرورت به‌روزرسانی سـواد حقوقی و گذراندن دوره‌های ضمن خدمت برای بازآموزی سـواد حقوقی معلمان احسـاس می‌شد.در پژوهشـی دیگـر، میـد[۲] (۲۰۰۸) برای بررسـی رابطه بین دانش معلمان از قوانین مدرسـه و میـزان ورود آن‌ها بـه دعـاوی قضایـی، پرونده‌هایی بین سـال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ را بررسـی کـرد که نتایج ذیـل حاصل گردید: نتایج دعاوی فقهی عمدتا متاثر از مقامات درگیر دعاوی قضایی و محل قرارگیری مدارس است. به‌عنوان مثـال، احتمال موفقیت عوامل منتسـب به مـدارس دولتی در پروندهٔ دعاوی قضایـی مطروحه در آموزش و پرورش بیشـتر اسـت و دفاعیهٔ معلم نیز بر نتیجه تجدیدنظر دادگاه در مورد پرونده‌های مربوطه اثرگذار است.کوپر[۳](۲۰۱۱) سطح سواد حقوقی نمونه‌ای از معلمان و مدیران چهار مدرسه ابتدایی را از طریق تکمیل نظرسـنجی شـامل مـوارد قانونـی و شـرح قوانین در آموزش و پرورش بررسـی کـرد که در آن، چهـل درصد از پاسـخگویان قادر به پاسـخگویی صحیح به سـوالات مربوط به حقوق دانش‌آموز و شـصت درصد قادر به پاسـخگویی صحیح به سـوالات مربوط به حقوق معلم بودند. همچنین متغیرهای مورد مطالعهٔ پژوهش شامل: جنسیت، پایه تدریس‌شده و میزان تحصیلات پاسخگویان، تأثیر محدودی بر سطح سواد حقوقی داشـتند؛ ولی از میان این سـه متغیر، میزان تحصیلات تاثیر محسـوس‌تری بر سطح سواد حقوقی معلمان داشـته اسـت. دکر و همکاران (۲۰۱۹)،[۴] پس از شـرکت مدیران مدرسه و معلمان در دورهٔ تحصیلات تکمیلی حقـوق آمـوزش پرورش، نظرسـنجی انجـام دادند. ۸۸ درصد از شـرکت‌کنندگان پس از اتمـام دوره در مورد مسـائل قانونی حوزه آموزش، اطلاعات بیشـتری کسب‌کرده بودند که افزایش احساس توانمندی و کاهش ترس در مواجهه با مسـائل قانونی محیط مدرسـه را برایشـان همراه داشـت و منجر به بروز برخی تغییرات رفتاری از سـوی معلمان شـد که شـامل تغییر رویهٔ عملکرد روزانه معلمان برای کسـب اطمینان از انطباق بیشتر با الزامات قانونی، انجام تحقیقات حقوقی و پیگیری مشاوره حقوقی بیشتر و آموزش به همکاران در مورد قوانین مربوطه بود.

عمـدهٔ تحقیقـات فعلـی در مـورد مسـائل حقوقی حیطـه آمـوزش از ایالات متحده نشـأت می‌گیـرد؛ اما

۱. Wagner
۲. Mead
۳. Cooper
۴. Decker et al.,

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-06-10]
[DOI: 10.66224/qjal.11.39.107]

کشورهای دیگری مانند کانادا و استرالیا نیز در حال انجام تحقیقات جدیدی در این زمینه هستند. با توجه به تحقیقات صورت‌گرفته توسط دلانی[۱] (۲۰۰۹)، در حالی‌که موضوع اغلب پژوهش‌های متعلق به ایالت متحده در حوزه دعاوی قضایی معلمان است، کشورهای کانادا و استرالیا حوزه موضوعی سواد حقوقی معلمان در مورد حقوق بشر را مورد توجه قرار داده‌اند .(Cooper, ۲۰۱۱)

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی- پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش را تمامی معلمان شاغل مقطع متوسطه اول و دوم مدارس ناحیه ۲ شهر زنجان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ تشکیل داده‌اند که بر اساس آمار مربوط به سال ۱۴۰۱ ارائه شده توسط اداره کل آموزش و پرورش استان زنجان ۱۸۵۹ نفر بودند که ۱۲۸۳ نفر از آن‌ها را زنان و ۵۷۶ نفر را مردان تشکیل می‌دادند که به ترتیب ۶۹/۱ درصد و ۳۱/۹ درصد جمعیت هدف را شامل می‌شدند. برای برآورد حجم نمونه از جدول کرجسی مورگان[۲] (۱۹۷۰) استفاده شد که براساس این جدول، حداقل حجم نمونه مورد نیاز برای جامعه مورد نظر، ۳۱۸ نفر بود و بر این مبنا، ۳۲۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با توجه به ترکیب جامعه هدف در قالب ۲۲۱ نفر زن و ۹۹ نفر مرد انتخاب شدند و پرسشنامه بین نمونه آماری توزیع گردید. ابزار مورد استفاده پژوهش، پرسشنامه محقق‌ساخته سواد حقوقی معلمان مشتمل بر سه بُعد، هفت مولفه و ۳۰ گویه است. طبق جدول (۱)، بُعد اول، آگاهی از قانون مدیریت خدمات کشوری شامل دو مولفهٔ آگاهی از قانون جذب کارکنان آموزش و پرورش (۴ گویه) و آگاهی از قوانین بهره‌مندی از حقوق و مزایا (۶ گویه)؛ بُعد دوم، قانون رسیدگی به تخلفات اداری شامل سه مولفهٔ آگاهی از مصادیق تخلفات اداری (۳ گویه)، آگاهی از پیامدهای تخلفات اداری (۴ گویه) و آگاهی از روند رسیدگی به تخلفات اداری (۵ گویه) و بُعد سوم، آگاهی از قانون نظام رتبه‌بندی شامل دو مولفهٔ آگاهی از شرایط ارتقای شغلی (۴ گویه) و آگاهی از شرایط بهره‌مندی از مزایای رتبه‌بندی (۴ گویه) هست. نمره‌گذاری پرسشنامه به‌صورت طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای: کاملا غلط، غلط، نظری ندارم، درست، کاملا درست با امتیاز ۱ تا ۵ بوده و درخصوص گزاره‌های نادرست نیز امتیازبندی به‌صورت معکوس انجام گرفته است. ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۳ به‌دست آمد که نشان‌دهندهٔ این است که اجزای درونی گویه‌ها، دارای همبستگی قابل‌قبولی با همدیگر هستند و ابزار اندازه‌گیری از پایایی مناسبی برخوردار است.

۱. Delaney
۲. Krejcie & Morgan

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-06-10]
[DOI: 10.66224/qjal.11.39.107]

جدول(۱). ابعاد و مولفه‌های سواد حقوقی

ابعاد	مولفه‌ها	شماره گویه‌ها
قانون مدیریت خدمات کشوری	آگاهی از قانون جذب کارکنان آموزش و پرورش	۱،۲،۴،۷
	آگاهی از قوانین بهره‌مندی از حقوق و مزایا	۳،۵،۶،۸،۹،۱۰
قانون رسیدگی به تخلفات اداری	آگاهی از پیامدهای تخلفات اداری	۱۱،۱۴،۲۰،۳۰
	آگاهی از روند رسیدگی به تخلفات اداری	۱۲،۱۶،۱۷،۱۸،۲۷
	آگاهی از مصادیق تخلفات اداری	۱۳،۱۵،۱۹
قانون نظام رتبه‌بندی معلمان	آگاهی از شرایط ارتقای شغلی	۲۱،۲۲،۲۴،۲۹
	آگاهی از شرایط بهره‌مندی از مزایای رتبه‌بندی	۲۳،۲۵،۲۶،۲۸

برای تعیین روایی صوری و محتوایی از نظرات ۵ تن از اعضای هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان استان زنجان و ۲ نفر از کارشناسان حقوقی اداره کل آموزش و پرورش استان زنجان استفاده شد و برای تعیین روایی سازه پرسشنامه، از آزمون تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. مقدار شاخص‌های برازش مدل سواد حقوقی معلمان که نسبت خی دو به درجه آزادی برابر ۱/۵۰۱ و شاخص ریشه خطای میانگین مربعات (RAMSEA) برابر با ۰/۰۷۵ است. ازآن‌جایی که شاخص RAMSEA کمتر از ۰/۰۵ و شاخص برازش تطبیقی (CFI) و شاخص نیکویی برازش به ترتیب برابر ۰/۹۴ و ۰/۹۲ و بالای ۰/۹ است؛ درنتیجه، شاخص‌های برازش مولفه‌های سواد حقوقی معلمان درحد مطلوبی است و شاخص‌های به‌دست‌آمده در تحلیل عاملی برازش مطلوب داده‌ها با مدل را نشان می‌دهد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه از نرم‌افزارspss version ۲۷ استفاده شد. آزمون کولموگروف اسمیرنوف، نرمال بودن داده‌ها را نشان داد که درنهایت برای بررسی فرضیات پژوهش از آزمون‌های تی یک نمونه مستقل، تی دو نمونه مستقل و تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

۳-۱. آمار توصیفی

بر اساس جدول (۲)، اکثریت جمعیت شرکت‌کنندگان در پژوهش را زنان با فراوانی ۶۹/۱ درصد و مردان با ۳۰/۹ درصد کمترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین ۶/۵ درصد معلمان با مدرک دیپلم، ۴/۷ درصد مدرک فوق دیپلم، ۴۰ درصد مدرک کارشناسی، ۳۶/۳ درصد کارشناسی ارشد و ۱۲/۵ درصد مدرک دکترا، نمونه پژوهش را تشکیل داده‌اند که بیشترین درصد فراوانی متعلق به معلمان با مدرک

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-06-10]

[DOI: 10.66224/qjal.11.39.107]

کارشناسی (٪۴۰) و کمترین درصد فراوانی مربوط به معلمان با مدارک تحصیلی فوق دیپلم (٪۴/۷) است. به‌لحاظ سابقه تدریس؛ ۲۹ درصد معلمان سابقه تدریس زیر ۵ سال، ۱۵/۳ درصد سابقه تدریس بین ۵ تا ۱۰ سال، ۱۶/۳ درصد سابقه تدریس بین ۱۰ تا ۱۵ سال، ۸/۸ درصد سابقه تدریس بین ۱۵ تا ۲۰ سال و ۳۰/۶ درصد، سابقه تدریس بالای ۲۰ سال داشتند.

جدول(۲). آمار توصیفی شرکت‌کنندگان در پژوهش

متغیر	ویژگی جمعیت‌شناختی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۹۹	۳۰/۹
	زن	۲۲۱	۶۹/۱
تحصیلات	دیپلم	۲۱	۶/۵
	فوق‌دیپلم	۱۵	۴/۷
	لیسانس	۱۲۸	۴۰
	فوق‌لیسانس	۱۱۶	۳۶/۳
	دکترا	۴۰	۱۲/۵
سابقه تدریس	زیر ۵ سال	۹۳	۲۹
	۵ تا ۱۰ سال	۴۹	۱۵/۳
	۱۰ تا ۱۵ سال	۵۲	۱۶/۳
	۱۵ تا ۲۰ سال	۲۸	۸/۸
	بالای ۲۰ سال	۹۸	۳۰/۶

۳-۲ . تجزیه و تحلیل آماری

برای بررسی وضعیت سواد حقوقی معلمان ناحیه ۲ زنجان از آزمون تی یک نمونه مستقل استفاده شد که نتایج آن در جدول(۳) آورده شده است.

جدول(۳). آزمون تی یک نمونه مستقل جهت ارزیابی میزان سواد حقوقی معلمان و مولفه‌های آن

میانگین معیار: ۳			
مولفه‌های سواد حقوقی	میانگین تجربی	انحراف استاندارد	سطح معناداری
قانون مدیریت خدمات کشوری	۲/۷۹	۰/۳۶۸	۰/۰۰۱
قانون رسیدگی به تخلفات اداری	۲/۳۶	۰/۴۲۲	۰/۰۰۱
قانون نظام رتبه‌بندی	۲/۴۷	۰/۵۳۲	۰/۰۰۱
سواد حقوقی	۲/۵۵	۰/۳۱۴	۰/۰۰۱

براساس نتایج جدول (۳)، میانگین به‌دست‌آمده برابر با ۲/۵۵ و میانگین معیار ۳ است و در سطح

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-06-10]

[DOI: 10.66224/qjal.11.39.107]

خطای کمتر از ۰/۰۰۱ معنادار است که این نتایج نشان می‌دهد سطح سواد حقوقی دبیران ناحیه ۲ زنجان پایین‌تر از حد متوسط است. برای هر یک از مولفه‌ها نیز میانگین تجربی به‌دست‌آمده، پایین‌تر از حد متوسط است؛ به‌طوری‌که میزان آگاهی از قانون مدیریت خدمات کشوری (۲/۷۹)، میزان آگاهی از قانون رسیدگی به تخلفات اداری (۲/۳۶) و میزان آگاهی از قانون نظام رتبه‌بندی(۲/۴۷) در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۰۱ با میانگین معیار ۳ سطح پایین‌تر از متوسط را نشان می‌دهد. درنهایت، فرضیه وضعیت سواد حقوقی معلمان ناحیه ۲ زنجان در حد ضعیف است، تایید می‌شود.

به‌منظور مقایسه سطح سواد حقوقی معلمان برحسب جنسیت، از آزمون تی دو گروه مستقل استفاده شد که نتایج آن در جدول(۴) ارائه شده است.

جدول(۴) آزمون تی دو نمونه برای ارزیابی میزان سواد حقوقی معلمان برحسب جنسیت

متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آماره T	درجه آزادی	سطح معناداری
میزان سواد حقوقی معلمان	زن	۹۹	۲/۵۵	۰/۳۴۰	۰/۲۷	۳۱۸	۰/۹۷۸
	مرد	۲۲۱	۲/۵۵	۰/۲۹۸			

نتایج جدول(۴)، میانگین میزان سواد حقوقی دبیران مرد و زن را ۲/۵۵ نشان می‌دهد. مقدار t برابر با ۰/۲۷ و سطح معناداری ۰/۹۷۸ است؛ بنابراین، میان میزان سواد حقوقی بین دبیران زن و مرد تفاوت معناداری وجود ندارد (P-value>۰۵/۰). به‌منظور مقایسه ارزیابی سطح سواد حقوقی معلمان برحسب مدرک تحصیلی آن‌ها از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد که نتایج آن در جدول(۵) ارائه شده است.

جدول(۵) آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه پیرامون میزان سواد حقوقی معلمان برحسب مدرک تحصیلی

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معناداری
بین‌گروهی	۰/۳۲۰	۴	۰/۰۸۰	۰/۸۰۷	۰/۵۲۱
درون‌گروهی	۳۱/۲۵۷	۳۱۵	۰/۰۹۹		
کل	۳۱/۵۷۸	۳۱۹			

براساس نتایج جدول (۵)، مقدار آماره F برابر با ۱/۲۳۰ است و سطح معناداری ۰/۵۲۱ است. براین‌اساس، فرضیه وجود تفاوت معنادار میان میزان سواد حقوقی معلمان برحسب مدرک تحصیلی رد می‌شود (Pvalue>۰۵/۰).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-06-10]

[DOI: 10.66224/qjal.11.39.107]

به‌منظور مقایسه میزان سواد حقوقی، براساس سابقه تدریس آن‌ها از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد که نتایج آن در جدول (۶) نشان داده شده است.

جدول(۶) آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه پیرامون میزان سواد حقوقی معلمان برحسب سابقه تدریس آن‌ها

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معناداری
بین‌گروهی	۰/۴۸۶	۴	۰/۱۲۱	۱/۲۳۰	۰/۳۱
درون‌گروهی	۳۱/۰۹۲	۳۱۵	۰/۰۹۹		
کل	۳۱/۵۷۸	۳۱۹			

مطابق یافته‌های جدول (۶)، مقدار آماره F برابر ۱/۲۳۰ و سطح معناداری ۰/۳۱ است. بنابراین، فرضیه وجود تفاوت معنادار میان میزان سواد حقوقی معلمان برحسب سابقه تدریس تایید می‌شود (P-value <۰۵/۰).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف عمده پژوهش حاضر، ارزیابی میزان سواد حقوقی نمونه‌ای از معلمان ناحیه ۲ زنجان بود. نتایج پژوهش در وهلهٔ اول مبین آن است که سطح سواد حقوقی معلمان ناحیه ۲ زنجان، پایین‌تر از حد متوسط بوده که نتیجه این تحقیق با نتایج پژوهش‌های رگلین[۱] (۱۹۹۲)، وایت[۲] (۱۹۸۳)، گولات و تولت[۳] (۱۹۹۷)، پیترز و مونتگری[۴] (۱۹۹۸)، ویگر[۵] (۲۰۰۷)، فایندلی[۶] (۲۰۰۷)، شیمل و میلیتلو[۷] (۲۰۰۷)، موسولا[۸] (۲۰۰۸)، دیویس[۹] (۲۰۰۹)، کوپر[۱۰] (۲۰۱۱)، دکر و همکاران[۱۱]، (۲۰۱۳)، یانگ و همکاران[۱۲] (۲۰۱۴)، سامرز و همکاران[۱۳] (۲۰۲۰) که اذعان دارند سواد حقوقی معلمان در حد ضعیف است، همسویی دارد. همچنین دیویس[۱۴] (۲۰۰۹)، جهل به قانون را پدیده‌ای فرامرزی و جهان‌شمول در میان معلمان می‌داند. نتایج پژوهش، مبنی بر نبود تفاوت معنادار میان جنسیت و میزان سواد حقوقی معلمان با نتیجه تحقیق کوپر (۲۰۱۱) همسو است؛ اما در مورد عدم وجود تفاوت معنادار میان مدرک تحصیلی و میزان سواد حقوقی معلمان، نتایج تحقیق کوپر با

۱. Reglin
۲. White
۳. Gullatt & Tollett
۴. Peters& Montgomerie
۵. Wagner
۶. Findly
۷. Schimmel & Militello
۸. Moswela
۹. Davies
۱۰. Cooper
۱۱. Decke.,et al
۱۲. Young..et al
۱۳. Summers., et al
۱۴. Davies

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-06-10]
[DOI: 10.66224/qjal.11.39.107]

نتایج تحقیق حاضر همسویی نداشته است؛ چراکه نتایج پژوهش کوپر (۲۰۱۱) اذعان دارد مدرک تحصیلی، تاثیر اندک اما مثبتی بر سطح سواد حقوقی معلمان داشته است، در صورتی‌که نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد تفاوت معناداری میان سطح تحصیلات و میزان سواد حقوقی معلمان وجود ندارد. در رابطه با وجود تفاوت معنادار میان سابقه تدریس و میزان سواد حقوقی معلمان نیز نتایج پژوهش حاضر؛ نتایج تحقیق پل (۲۰۰۱) را تصدیق کرده و تاثیر مثبت سابقه معلمان بر سواد حقوقی را نشان می دهد اما با نتایج تحقیق کوپر(۲۰۱۱) همسویی ندارد.

پژوهش‌ها حاکی از آن است که درحال حاضر، سواد حقوقی معلمان ناکافی است. باتوجه به قدرت نفوذ و تأثیرگذاری قابل‌توجهی که معلمان بر دانش‌آموزان خود دارند، معلمان موظفند هم از قوانین مطلع باشند و هم از آن پیروی کنند.(Gullatt & Tollett,۱۹۹۷)

بنابراین، اگر در این زمینه آموزش کافی ندیده باشند؛ رسالت آن‌ها در انجام این مهم به نحو احسن صورت نمی‌گیرد؛ درنتیجه، در دوره‌های آموزشی پیش از خدمت باید به دانشجو-معلمان، اطلاعات پیشینه نظری و عملی مناسبی درحوزه سواد حقوقی آموزش و پرورش ارائه شود. مطالعات تطبیقی صورت‌گرفته در کشورهای دیگر نشان می‌دهد انجمن‌ها، فرصتی برای مطالعه مسائل حقوقی آموزش و پرورش فراهم می‌کنند. برای مثال، انجمن کپسل[۱] در کانادا یا نمونه مشابه آن در آمریکا سازمان ملی نوپل،[۲] مسائل حقوقی حوزه آموزش و پرورش و موضوع برنامه درسی آموزش سواد حقوقی برای معلمان را در پنج حوزهٔ سیستم‌های دولتی و دادگاه، دانش‌آموزان و قانون، معلمان و قانون، معلمان و مسئولیت منطقه و قوانین مربوط به افراد دارای معلولیت را مورد مطالعه قرار می‌دهد(Gullatt & Tollett, ۱۹۹۷). علاوه بر ارائه دوره‌ها و دروس دانشگاهی در حوزه حقوقی آموزش، راه‌حل‌های دیگری می‌تواند برای کاهش نارسایی کنونی در درک سواد حقوقی موثر باشد. برای مثال، توسعه حرفه‌ای مستمر معلمان در دوره‌های ضمن خدمت در مورد آخرین تغییرات قوانین آموزشی و احکام اخیر دادگاه به عنوان منبعی برای آگاه کردن کارکنان از هرگونه تغییر در حوزه مسائل قانونی و یا برگزاری کنفرانس‌های آموزش سواد حقوقی برای معلمان و مدیران. در عرصهٔ قانون‌گذاری با تدوین چارچوب قانونی مستحکم و در عرصهٔ اجرا، با فراهم‌کردن زمینه‌های آموزش رسمی و غیررسمی سواد حقوقی و نیز از طریق همکاری با تشکل‌های مدنیِ فعال در این حوزه، زمینهٔ دستیابی به سطح سواد حقوقی بالاتری فراهم می‌آید؛ به‌ویژه باتوجه به این نکته که بدون ایجاد، توسعه و تعمیق مفهوم سواد حقوقی، ایجاد دولت حقوقی و دولت مدرن با دشواری‌های فراوانی مواجه است.

---

۱. Capsle
۲. Nople

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-06-10]
[DOI: 10.66224/qjal.11.39.107]

منابع فارسی

۱. حبیب‌نژاد، سیداحمد؛ عامری، زهرا و خسروی، احمد (۱۳۹۹). «تعهدات دولت در گسترش سواد حقوقی با نگاهی به نظام حقوقی ایران». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۵۰(۱)، ۱۹۷-۱۸۱.

۲. doi: 10.22059/jplsq.2018.255092.1707 .

۳. رمضان‌مقدم واجاری، یاسمن؛ جانی‌پور، مجتبی (۱۳۹۶). «رابطه عوامل اجتماعی و آگاهی از قوانین با آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر رشت. (مطالعات جامعه‌شناسی)». ۹(۳۴)، ۴۹-۳۳.

۴. . SID. https://sid.ir/paper/222578/fa

۵. شکاری، عباس و حاجی‌رشیدی، محمدهادی (۱۳۸۸).«بررسی میزان توجه به مولفه‌های حقوق بشر در برنامه درسی دوره متوسط ایران، نخستین همایش بین‌المللی تحولات جدید ایران و جهان»، قزوین. https://civilica.com/doc/76481

۶. صافی، احمد (۱۴۰۱). سازمان و قوانین آموزش و پرورش ایران، ویراست۴ با تجدیدنظر اساسی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت).

۷. قانون رسیدگی به تخلفات اداری (۱۳۷۱). مرکز پژوهش‌های مجلس، قابل دسترس در سایت http://rc.majlis.ir.

۸. -قانون مجازات اسلامی(۱۳۹۲). ماده ۲ و ۳. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قابل‌دسترس در سایت http://rc.majlis.ir .

۹. قانون مدیریت خدمات کشوری (۱۳۸۶). مرکز پژوهش‌های مجلس، قابل دسترس در سایت http://rc.majlis.ir .

۱۰. قهرمانی‌فرد، کامیار؛ سیدعباس‌زاده، میرمحمد (۱۳۹۴). «طراحی و اعتباربخشی مدل بومی استانداردهای حرفه‌ای معلمان دوره دوم متوسطه (مطالعه‌ای آمیخته با جنبه‌های کیفی و کاربرد تکنیک دلفی)»،مطالعات آموزشی و آموزشگاهی۴(۲)، -۲۷-۵۰ .

۱۱. محمدزاده، کمال و دیگران (۱۳۹۸). «طراحی برنامه درسی سواد حقوقی». پژوهش در برنامه‌ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی- برنامه‌ریزی درسی)، ۱۶(۳۶)، (پیاپی ۶۳) ، ۴۸-۳۵. SID. https://sid.ir/paper/521490/fa.

۱۲. مرزوقی، رحمت‌اله؛ محمدزاده، کمال (۱۳۹۹). «برنامهٔ درسی سواد حقوقی دورهٔ متوسطه: یک مطالعهٔ ترکیبی». -پژوهش‌های برنامه درسی، ۱۰(۱)، ۱۳۳-۱۰۵. doi: 10.22099/jcr.2020.5820.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-06-10]

[DOI: 10.66224/qjal.11.39.107]

منابع انگلیسی

13. Alexander, K. & Alexander, M. D. (2001). American Public School Law (5th ed.). Belmont: West- Thomson Learning.
14. American Bar Association ABA. (2017). United States. [Web Archive] Retrieved from the Library of Congress, https://www.loc.gov/item.
15. Casimir M., Michael E., Wanda M. Cassidy, and Suzanne de Castell. (1986). Legal Literacy: Towards a Working Definition. Report Submitted to the Canadian Law Information Council. Ottawa: Canadian Law Information Council.
16. Cooper, M .T.(2011). The legal literacy levels of educators in one family of schools in Ontario, submitted in partial fulfilment of the requiarments for the degree of master of education, nipissing university schulich school of education north bay, Ontario.
17. Davies, T . (2009). The worrisome state of legal literacy among teachers and administrators. Canadian Journal for New Scholars in Education .
18. Decker, J. (2014). Legal literacy in education: An ideal time to increase research advocacy, and action. West's Education Law Reporter, 304,679-697.
19. Decker, J.R., & Brady, K.P. (2016). Increasing school employees' special education legal literacy. Journal of School Public Relations 36(2) 231-259.
20. Decker, J. R., Ober, P. D., & Schimmel, D. M. (2019). The Attitudinal and Behavioral Impact of School Law Courses. Journal of Research on Leadership Education, 14(2), 160-185. https://doi.org/10.1177/1942775117742647.
21. Decker, J, Umpstead, G. and Brady, K. (2013). A Call for Intra- and Inter-Constituency Collaboration to Reduce Legal Illiteracy. Paper read at the Education Law Association Conference held in Denver, CO, 13 - 16.
22. Delaney, J. G. (2008). The value of educational law to teachers in the K-12 school system. Morning Watch, 36(1-2), 1-24.
23. Delaney, J. (2009). The value of educational law to practising educators. Education and Law Journal, 19(2), 119-137.
24. Findlay, N.(2007) In-school administrators' knowledge of education law. Education

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-06-10]

[DOI: 10.66224/qjal.11.39.107]

Law Journal, 17(2), 177–202.

25. Gullatt, D. E., & Tollett, J. R. (1997). Educational law: A requisite course for preservice and inservice teacher education programs. Journal of Teacher Education, 48(2), 129–135.
26. Hamid, M. I. A., & Mohammad, N. A. N. (2018). Legal literacy of educators in Malaysia: an empirical study. International Journal of business and society, 19(S2), 187–204.
27. Keel, R. G. (1998). Student rights and responsibilities: Attendance and disciplineToronto: E. Montgomery Pub.
28. Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. Educational and psychological measurement, 30(3), 607–610.
29. Mead, Julie. (2008). Teacher Litigation and its Implications for Teachers Legal Literacy. Action in Teacher Education. 30. 10.1080/01626620.2008.10463494.
30. Militello, M., & Schimmel, D. (2008). Toward Universal Legal Literacy in American Schools. Action in Teacher Education, 30(2), 98–106.
31. Moswela, B. (2008). Knowledge of educational law: An imperative to the teacher's practice. International Journal of Lifelong Education, 27(1), 93–105.
32. Paul, G. (2001). An analysis of Georgia public school teachers' knowledge of school law: Implications for administrators (Doctoral dissertation). Georgia Southern University, United. .States–Georgia
33. Peña Carranco, L. E. (2016). The concept of legal literacy amongst educators in Canada doi:http://dx.doi.org/10.14288/1.0347618.
34. Peters, F., & Montgomerie, C. (1998). Educators' knowledge of rights. Canadian Journal of Education, 23(1), 29–46.
35. Posocco, S. C. L.(2016). The importance of legal literacy in education. Department of Curriculum, Teaching and Learning, Ontario Institute for Studies in Education of the University of Toronto.
36. Reglin, G. (1992). Public school educators' knowledge of selected Supreme Court

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-06-10]

[DOI: 10.66224/qjal.11.39.107]

decisions affecting daily public school operations. Journal of Educational Administration, 30(2), 26–32.

37. Schimmel, D., (2011). The Risks of Legally Illiterate Teachers: The Findings, the Consequences and the Solutions, University of Massachusetts Law Review,6(1). Article 2.Available at: http://scholarship.law.umassd.edu/umlr/vol6/iss1/2.
38. Schimmel, D., & Militello, M. (2007). Legal literacy for teachers: A neglected responsibility. Harvard Educational Review, 77(3), 257–284. https://doi.org/10.17763/haer.77.3.842n787555138746.
39. Summers,K. , Christine Kiracofe, christine Rienstra. (2020). Legal Literacy and K–12 Public School Teachers, Mid–Western Educational Researcher, 32 (4).
40. –Wagner, P. (2008). An Evaluation of the Legal Literacy of Educators and the Implications for Teacher Preparation Programs. Online Submission.
41. White, D. B. (2012). An assessment of the level of school law knowledge of South Carolina school principals and the implications for litigation and social justice (Doctoral dissertation). Retrieved from ProQuest. (UMI Number 3548900).
42. White, J. B. (1983). The Invisible Discourse of the Law: Reflections on Legal Literacy and General Education. University of Colorado Law Review 54: 143–159.
43. Young, D. C., Kraglund–Gauthier, W. L. and Foran, A. (2014). Legal literacy in teacher education programs: Conceptualizing relevance and constructing pedagogy. Journal of Educational Administration and Foundations, 24(1), 7 19.
44. Zariski, A. M. (2014). Legal Literacy: An Introduction to Legal Studies. Edmonton, AB: AU Press.
45. Zirkel, P. A. (2006). The effect of law on education: The common ungoodness of paralyzing fear? Journal of Law and Education. 35(4).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-06-10]

[DOI: 10.66224/qjal.11.39.107]